

جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

امیر قدسی^۱

تاریخ ارائه: ۱۹/۵/۳

تاریخ تصویب: ۱۹/۶/۱۵

چکیده

توسعه فناوری‌ها و تحول در نظام‌های قدرت، نحوه ارزیابی منابع قدرت را دچار تحول اساسی نموده است. امروزه راه غیرمستقیم به دست آوردن خواسته‌ها را «وجه دوم قدرت» یا «قدرت نرم» معرفی می‌کنند که می‌تواند بدون توسل به خشونت، هدف‌های مورد علاقه را از راه ایجاد جذابیت، به تسخیر خویش درآورد. سرمایه اجتماعی، از جمله مفاهیم نوینی است که به دلیل گستره معنایی وسیع آن توانست به سرعت از جایگاه قابل توجهی در میان اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و راهبردی برخوردار گردد. سرمایه اجتماعی، به عنوان یکی از مظاهر قدرت نرم، از نقش بی‌بدیلی در توفیقات نظام ج.ا.ا در برهه‌های حساس برخوردار بوده و هرگونه افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی در لایه‌های مختلف (مردم - مردم و مردم - حاکمیت) می‌تواند موجب کاهش یا افزایش قدرت نرم نظام گردد. مقاله حاضر، نقش سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم در ج.ا.ا را مورد دقت و کنکاش قرار داده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، قدرت نرم، ایران، فرهنگ، ارزش‌ها.

مقدمه

با ایجاد تحول در همه شئون زندگی اجتماعی و لایه‌های زیست بشر، علوم انسانی نیز نیازمند تولید و بازتولید مستمر مفاهیم و ادبیات نوینی است تا او را برای کسب بالاترین میزان موفقیت در تحلیل و توضیح‌دهندگی تحولات اجتماعی توانمند سازد. بازکاوی و استخراج گنجینه‌های ادبی موجود در فرهنگ‌ها و بهره‌گیری از واژگان ترکیبی و استعاره‌ها به منظور زایش مفاهیم نوین، از جمله این اقدامات در حوزه تولید ادبیات نظری بود.

جامعه غرب و نظام سرمایه‌داری در پی بالندگی و ایجاد توان مستمر برای حرکت چرخ‌های نظام صنعتی و اقتصادی خود، همواره نیازمند بهره‌گیری از زمینه‌های بدیع و مسیرهای جدید و نو می‌باشد و در حوزه علوم انسانی، کشف و استخراج مفاهیم نوپا و پرورش آن در بسترهای اجتماعی، از جمله اقدام‌های اساسی اندیشمندان و اندیشه‌گران غرب در پاسخ به این نیاز و تأمین آن می‌باشد. از این رو مفهوم «سرمایه اجتماعی»^۱ پس از مفاهیمی مانند سرمایه طبیعی^۲، سرمایه فیزیکی^۳، سرمایه انسانی^۴، سرمایه فرهنگی^۵، سرمایه مالی^۶ و سرمایه حقوقی^۷، از سوی اندیشمندان «تولید» و به‌عنوان یک استعاره جدید، پا به عرصه وجود می‌گذارد. اهمیت زایش این مفهوم در ارائه خدمت به این نظام به گونه‌ای است که پوتنام، به‌عنوان یکی از اندیشمندان پیشگام در این حوزه نظری، به شدت مورد توجه کلیتون، رییس جمهور وقت آمریکا قرار رفته و از وی برای حضور در هیئت آمریکایی در کمپ دیوید دعوت به عمل می‌آورد (فیلد، ۱۳۸۸: ۵۱). همچنین از او

1. Social Capital
2. Natural Capital
3. Physical Capital
4. Human Capital
5. Cultural Capital
6. Financial Capital
7. Legal Capital

خواسته می‌شود تا تحقیقات وسیع‌تری را تحت هدایت اینگلهارت^۱ در این خصوص به عمل آورد.

مفاهیمی مانند «قدرت نرم» نیز بر همین اساس تولید و وارد ادبیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی گردید. این استعاره و مفهوم جدید نیز که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از سوی جوزف نای^۲ پا به عرصه ادبیات نوین جهانی گذاشت، به دلیل قابلیت بالای توضیح‌دهندگی و گستره معنایی بالا در تبیین تحولات جاری، به سرعت مورد اقبال اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم واقع گردید. قدرت، از مفاهیم اصلی علم سیاست و به معنای توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکل است، اما حاکمیت‌ها و جوامع عصر حاضر تلاش دارند به جای تأثیرگذاری از راه ارعاب، تهدید و خشونت، از راه ایجاد جذابیت‌های فرهنگی و اقتصادی به نفوذ ارزش‌های خود در دیگر جوامع اقدام کنند.

امروزه دیگر صرف برخورداری یک کشور از منابع و مواهب طبیعی «سرمایه» محسوب نمی‌گردد، بلکه مجموعه‌ای از سرمایه‌ها، از جمله بهره‌مندی از «سرمایه اجتماعی»، منجر به تولید و افزایش قدرت ملی کشورها خواهد گردید. از شاخصه‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری ساکنین یک سرزمین از اعتماد و سایر مؤلفه‌های مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی است. هیچ ملتی بدون برخورداری از قدرت نرم و ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی قادر به حرکت در مسیر تعالی و کسب اعتبار معنوی در جامعه جهانی نخواهد بود. این اعتماد در دو سطح مردم - مردم و حاکمیت - مردم قابل تجلی و بازتاب است و «سرمایه اجتماعی» معطوف به کشف و استخراج این شاخصه‌ها در جوامع می‌باشد.

1. Ingelhart
2. Joseph Nye

پدیده انقلاب اسلامی در ربع پایانی قرن بیستم و همچنین وقوع جنگ تحمیلی، یکی از ناب‌ترین عرصه‌های تجلی و معرفی قدرت نرم به جهانیان بود. در برابر هجوم و ائتلاف دو اردوگاه جهانی قدرت علیه این انقلاب نوپا، عاملی جز برخورداری کشور از سرمایه اجتماعی و قدرت نرم قادر به ایستادگی و مقاومت نبود و راهبردهای دفاعی و اقدامات دیپلماسی نظام بدون بهره‌مندی از این عامل قدرتمند، به‌طور قطع راه به جایی نمی‌برد. رهبری نظام با شخصیتی فرهمند و برخوردار از درک عمیق این قدرت، جهانیان را بیش از پیش به لزوم ارزش نهادن به ابعاد معنوی و انسانی متوجه ساخت. امروزه عمق راهبردی نظام را پشتوانه‌های مردمی شکل داده است و بدون شک، دوام این توفیق در گرو حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی و قدرت نرم است، از این‌رو شایسته آن است تا همه راهبردها و سیاستگذاری‌های نظام به این مهم معطوف گردد.

۱. ضرورت‌های پژوهش

پرداختن به هر پژوهش و تحقیق، مستلزم وجود مسئله و دغدغه‌ای است که پژوهشگر و محقق را در مسیر کشف حقیقت رهنمون می‌سازد. مقاله حاضر نیز بر این پایه و احساس ضرورت در توجه به وضعیت موجود و روند تولید سرمایه اجتماعی در ایران - که معیاری برای سنجش قدرت نرم کشور است - تدوین گردیده است. بخشی از مهم‌ترین ضرورت‌های پژوهش عبارت است از:

۱-۱. نقش بی‌بدیل سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ و ارتقای آن. بدون شک، سرمایه اجتماعی و قدرت نرم، در واقعی و ناب‌ترین شکل آن در صحنه انقلاب اسلامی ایران متجلی گردید. پیروزی انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع، مرهون شناخت کامل حضرت امام (ره) از تأثیر مهم این دو عامل بود که توانست با اتکا بر این سرمایه معنوی، بر قدرت سخت نظام حاکم غلبه یابد. بر اساس مطالعه‌های میدانی انجام شده، روند بازتولید

این سرمایه رو به کاهش است و این کاهش سرمایه اگرچه خفیف، اما نگران‌کننده می‌باشد. بر اساس مطالعات گوناگون، سرمایه اجتماعی در دهه دوم و سوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به دهه اول کاهش یافته و در صورت ادامه این روند، تبعات زیانبار آن متوجه نظام و کشور خواهد بود.

۱-۲. **تنوع و پراکندگی جغرافیایی اقوام در ایران.** نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد، در مناطقی که به لحاظ نژادی و قومی متنوع‌ترند، میزان مشارکت اجتماعی به طور معنی‌داری کمتر است (باولز، ۱۳۸۵). ایران جزو کشورهای دارای بالاترین تنوع و پراکندگی جغرافیایی قومی و قبیله‌ای است و این موضوع، یکی از زمینه‌های مهم عدم شکل‌گیری مطلوب سرمایه اجتماعی در کشور ما محسوب می‌گردد. از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری قدرت نرم، ایجاد بالاترین مقبولیت نظام ارزشی در میان اعضای جامعه است. در سرزمین ایران، امتداد قومیت‌ها در مناطق مرزی، از موضوع‌های قابل توجه است. از این‌رو انسجام ملی و کاهش واگرایی، از هدف‌های راهبردی نظام جمهوری اسلامی در کسب بالاترین میزان قدرت نرم به شمار می‌رود.

۱-۳. **ضرورت‌های کشور:** ترسیم سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ و تأکید رهبری بر اجرایی شدن دقیق آن، از جمله وظایف نهادهای تحقیقاتی و پژوهشی کشور است و هر یک از این نهادها باید خود را به اجرایی شدن بخش‌های مرتبط با تخصص خود متعهد سازد. بر پایه این سند «ایران کشوری است توسعه‌یافته، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، برخوردار از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست

مطلوب، فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن». بدون شک، یکی از پایه‌های توفیق این هدف‌ها، توجه به تقویت، تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در کشور است.

از دیگر سو، ماده ۹۸ برنامه چهارم توسعه کشور، دولت را مکلف ساخته تا برای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، اقدام‌های زیر را به انجام رساند:

(۱) تهیه سازوکارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور و ارائه گزارش سالانه و بررسی علل و عوامل اثرگذار بر آن؛

(۲) تصویب سازوکارهای اجرایی لازم برای افزایش سرمایه اجتماعی، اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی و قانون‌گرایی؛

(۳) ارزیابی و انتشار گزارش‌های رضایت‌مندی عمومی به طور سالانه و تحلیل تغییرات آن در اثر عملکرد عمومی حاکمیت؛

(۴) تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار.

متأسفانه، باوجود تأکیدات و وظایف محول در این خصوص، از سال ۱۳۸۲ گزارشی از مطالعات ملی درباره ارزیابی سرمایه اجتماعی در ایران به طور رسمی منتشر نشده است (مصطفوی، ۱۳۸۷).

۲. بنیان‌های نظری سرمایه اجتماعی و قدرت نرم

رابرت پاتنام^۱، عالم سیاسی آمریکایی را می‌توان مدعی سهم زیادی از مردمی کردن اصطلاح «سرمایه اجتماعی» دانست، اصطلاحی مبهم که وی آن را از حالت انتزاع‌رهایی بخشید. به طور خلاصه، تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی این‌گونه است:

1. Robert Putnam

«ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند کارآیی جامعه را از راه تسهیل کنش‌های همکاری‌جویانه بهبود دهند» (Putnam, 1993:169).

از نظر دو توکویل^۱، سرمایه اجتماعی یک چسب اجتماعی است و جیمز کلمن نیز مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان شیوه‌ای برای تلفیق نظریه اجتماعی با نظریه اقتصادی تعریف کرد و معتقد بود که سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی، اغلب مکمل هم هستند (Coleman, 1988: 95-120).

ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را نیز می‌توان در نظریه «گرامشی»، واضع اصطلاح «هژمونی» دانست. گرامشی با کمک گرفتن از این واژه در صدد نشان دادن چهره واقعی نظام سرمایه‌داری نهان در پس پرده جاذبه‌های ظاهری آن بود. او معتقد بود که نظام سرمایه‌داری در پس جاذبه‌هایی مانند آزادی و دموکراسی، برای بقا و دوام خود اقدام به تولید قدرت می‌کند و با این اقدام، مانع شکل‌گیری مقاومت در برابر اهداف خود می‌گردد. در نگاه استیون لوکس، از قدرت نرم به عنوان چهره سوم قدرت یاد شده است (در کنار قدرت خشن و هژمونی)، قدرتی که بر فرد یا گروه اعمال می‌شود، بی‌آنکه در مورد این اعمال قدرت، آگاهی وجود داشته باشد (کگل، ۱۳۷۹: ۱۷۵). به عبارتی، در اعمال قدرت نرم، جایگاه اُبژه و سوژه قدرت تغییر می‌کند. در وضعیت سیطره، گاه فرد از اعمال قدرت هم با خیر است، اما به دلیل رضایت، در برابر آن مقاومت نمی‌کند، اما در این شکل از قدرت، فرد یا گروهی که بر او اعمال قدرت می‌شود، لزوماً به این اعمال قدرت آگاه نیست. این مطالب، مبتنی بر جنبه‌ها و تفسیرهای بدبینانه از اعمال قدرت بود، اما اعمال قدرت همواره نیز منفی نیست؛ چرا که لازمه وجود نظم و دستیابی به هدف‌ها (صرف نظر از معیارهای ارزشی آن) در گرو وجود قدرت است. جوزف نای، نظریه‌پرداز مطرح این حوزه با بیان این نظریه، تلاش

1. Alexis de Tocqueville

دارد تا در موضوع قدرت، جایگاهی نیز برای بهره‌گیری از راه‌های غیرخشن معرفی کند.

۳. سرمایه اجتماعی چیست؟

مفهوم سرمایه اجتماعی در آغاز، از سوی جامعه‌شناسان معرفی گردید و در تحقیقات آنها مورد استفاده قرار گرفت، اما به تدریج توجه اندیشمندان سایر رشته‌های علوم اجتماعی را به خود جلب کرد و در دهه‌های اخیر، در علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، طرفداران فراوانی یافته است.

مفهوم سرمایه اجتماعی - البته به شکل غیرمستقیم - نخستین بار از سوی مارکس (در ارتباط با مفهوم انقلاب در برابر سرمایه‌داری) مطرح و در سال ۱۹۱۶ از سوی هانی فان^۱ با همین اصطلاح وارد ادبیات علوم اجتماعی گردید. این مفهوم بر جنبه کار خیر، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی تأکید داشت. نزدیک به نیم قرن، اثر قابل توجهی در این باره منتشر نشد تا در سال ۱۹۶۱، این مفهوم دوباره از سوی جین جاکوبز^۲ برای تشریح شبکه‌های اجتماعی فشرده در حومه قدیمی و مختلط شهری به کار رفت. او شکلی از سرمایه اجتماعی را تشریح کرد که در بخش‌هایی از شهر، مردم در زمینه حفظ نظافت، عدم ارتکاب جرم و جنایت خیابانی و بهبود زندگی، بیش از نهادهای رسمی (پلیس، شهرداری و...) احساس مسئولیت می‌کردند (مصطفوی، ۱۳۸۷). «پیر بوردیو»^۳ را از پیشگامان استفاده از این واژه می‌دانند، اما به طور مسلم، اولین نظریه‌ها در باب سرمایه اجتماعی توسط کلمن^۴ و پوتنام^۵ ارائه گردید (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۶).

1. Lyda J. Hanifan
2. Jane Jacobs
3. Pierre Bourdieu
4. Coleman
5. Robert Putnam

از نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی عبارت است از پیوندهای بین افراد (شبکه‌های اجتماعی) و هنجارهای اعتماد و کنش و واکنش متقابل که از این پیوندها ناشی می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۸۱). پوتنام، سرمایه اجتماعی را میراث دوره طولانی توسعه تاریخی می‌داند که نمی‌توان آن را در یک بازه زمانی کوتاه افزایش داد و یا تخریب کرد (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷).

سرمایه - در معنای عام خود - بر مجموعه دارایی‌ها، امکانات و منابع در اختیار دلالت دارد. به‌طور کلی «سرمایه» به‌عنوان ذخیره‌ای از دارایی‌ها که می‌توان انباشت و برای ایجاد ثروت آتی به کار گرفت، تعریف می‌شود. ایده‌ای که پیوندهای اجتماعی را به عنوان شکلی از سرمایه تشریح می‌کند، یک استعاره است. این استعاره، بیانگر آن است که پیوندها می‌توانند سودمند باشند؛ و مانند هر کدام از اشکال دیگر سرمایه، می‌توان در آن سرمایه‌گذاری کرد و برحسب میزان سرمایه‌گذاری، انتظار بازگشت سود مناسب را داشت. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و فیزیکی می‌تواند جانشین و مکمل دیگر انواع سرمایه باشد. برای مثال، «تماس‌های برتر»^۱ می‌توانند یک فرد را با وجود برخورداری از سرمایه انسانی و مالی محدود، موفق سازند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷). محققان بر مفهوم سرمایه اجتماعی به منزله یک تشریح جامع برای بیان دلایل توانمندی بعضی جوامع برای حل مشکل‌های جمعی خود با همکاری یکدیگر تأکید دارند، در حالی که بعضی جوامع در متحد کردن افراد حول هدف‌های مشترک ناتوان هستند.

واژه «اجتماعی» در ترکیب با «سرمایه»، بر این حقیقت تأکید دارد که این منابع^۲، دارایی شخصی و فردی نیست، بلکه سرمایه‌ای است که در شبکه‌ای از روابط شکل می‌گیرد. به عبارتی «سرمایه اجتماعی»، بستگی به این دارد که شما چه کسانی را می‌شناسید و با آنها ارتباط دارید، که البته منظور، حجم ارتباطات، کیفیت و تنوع

1. Superior Connections
2. Resource

شبکه‌های ارتباطی است. این سرمایه، فرد را قادر می‌سازد تا ارزشی به وجود آورده، کاری انجام داده و به هدفی نایل شود، بنابراین هیچ فردی نمی‌تواند بدون داشتن سرمایه اجتماعی به موفقیت نایل گردد» (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۷).

یکی از مشکلات فراروی دانشمندان علوم اجتماعی و مدیریت، ارائه تعریفی جامع از سرمایه اجتماعی است. تعریف رابرت پاتنام در علوم سیاسی، جیمز کلمن در علوم اجتماعی، فرانسیس فوکویاما^۱ در تاریخ اقتصادی و اجتماعی و تحقیقات بانک جهانی - که از جمله اولین مطالعات در این زمینه است - هر کدام، از منظری به این پدیده پرداخته‌اند، اما با مروری بر این تعاریف، بیشتر مشخص خواهد شد که تمرکز همه آنها بر مفاهیمی مانند ارتباط، تعامل، اعتماد، شبکه و... می‌باشد. در یک نگاه کلی، این واژه از سوی بیشتر نویسندگان به عنوان راهی که جوامع می‌توانند از طریق آن، هدف‌های جمعی را به شکلی کارا تر انجام دهند، تعریف شده است. «جهت‌گیری اندازه سرمایه اجتماعی، مشارکت در شکل‌های متفاوت آن در امور مدنی، از قبیل عضویت داوطلبانه در گروه‌های سیاسی یا مذهبی و یا سطح اعتماد در بین مردم مد نظر قرار گرفته است» (علوی، ۱۳۸۰: ۳۴).

در حالی که تعریف‌های فراوانی از سرمایه اجتماعی ارائه شده است، ولی تعداد زیادی از آنها فقط نمایی از سرمایه اجتماعی را به تصویر می‌کشند و به خود موضوع نمی‌پردازند. بر اساس تعریف فوکویاما «سرمایه اجتماعی یک هنجار غیررسمی ایجاد شده است که همکاری میان دو یا چند شخص را افزایش می‌دهد. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند، می‌توانند از رابطه متقابل بین دو دوست شروع شده و آئین‌های پیچیده و بغرنجی مانند مسیحیت و کنفوسیوسیسیم را شامل گردند» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۵۹). شاید بهترین تعریف از سرمایه اجتماعی را بتوان در تکبیت شاعر غزلسرای ایرانی، «حافظ» یافت که می‌گوید:

1. Francis Fukuyama

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا آنچه در تبیین مفهوم «سرمایه اجتماعی» در ایران ضروری می‌نماید، توجه به این نکته اساسی است که خاستگاه و بستر رشد و نمو این اصطلاح، در غرب و نظام سرمایه‌داری است، بنابراین تسری و تعمیم بدون کم و کاست نظریه‌های مطرح در این خصوص برای سایر جوامع، از جمله جامعه ما، مفید و چاره‌گشا نیست و حتی ممکن است مسیر مطالعات و پژوهش را دچار سرگشتگی و بیهودگی سازد.

۴. کاربرد مفهومی سرمایه اجتماعی در تولید قدرت نرم

اگرچه امروزه بین سه بخش قدرت سخت، قدرت نیمه سخت (امنیتی، اقتصادی و...) و قدرت نرم، ارتباطی منطقی و اندامواره برقرار است، اما دو بخش اول قدرت به عنوان پشتیبان و رافع، عمل می‌کنند و نقش کلیدی و راهبردی، بر قدرت نرم استوار است. قدرت نرم از ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های متنوعی برخوردار است که از اعمال حداقل تغییر رویه و رفتار حکومت‌ها آغاز و تا تغییر دولت‌ها و براندازی بنیادی حکومت‌ها را شامل می‌گردد. در سیاست بین‌المللی، قسمت اعظم منابعی که قدرت نرم تولید می‌کند، از ارزش‌های ارائه شده یک سازمان یا کشور در فرهنگ خود ناشی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۴۷).

به عقیده دکتر کرلانتزیک، پژوهشگر بنیاد کارنگی «قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهای ماندگار فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی، به طور غیرمستقیم بر منافع یا موجودیت دیگر کشورها اثر می‌گذارد» (رنجبران، ۱۳۸۸: ۲۸).

جوزف نای، قدرت نرم را به منظور نمایاندن تأثیرات عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای مستقل و حکومت‌ها ابداع کرد که شامل قدرت سخت و قدرت اقتصادی نبود. در قدرت نرم، بر روی «ذهن» و «رفتار» سرمایه‌گذاری می‌شود، تا «عینیت

مجازی» تولید کند. این قدرت شامل توانایی جذب و مشارکت دیگران، همراه با رضایت آنان است (نای، ۱۳۸۷: ۴۴).

قدرت نرم با تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان کشور را تقویت کرده و در راستای وضعیت مطلوب خویش قرار می‌دهد. این گونه تغییرات، اغلب از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، به‌ویژه حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود. مشارکت سازنده و کارآمد مردم، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، آگاهی، انگیزه و غرور ملی، حفظ ارزش‌های دینی، شادابی و نشاط عمومی، پاسخگو بودن حاکمیت در برابر مردم، رواج و تقویت فرهنگ نشاط و امید، تقویت خودیاری و اعتماد به نفس، قانون‌گرایی، اعتدالی فرهنگ عمومی، تقویت روحیه اعتماد به نفس، گسترش فضای محبت به یکدیگر، مودت و همبستگی در خانه، همگی جزو سرمایه اجتماعی به شمار می‌آیند که کیفیت وحدت عمومی یک کشور را ارتقا می‌بخشند.

بر پایه این تعریف، سرمایه اجتماعی که موضوعی «فرهنگ‌مدار» و کلیدواژه‌های ادبیات آن بر اعتماد، آرمان و ارزش‌های اخلاقی استوار است، از جایگاهی قابل توجه در قدرت نرم برخوردار می‌باشد. قدرت نرم یعنی توانایی تعیین اولویت‌ها، به گونه‌ای که با دارایی‌های نامرئی مانند جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌ها همسو بوده و اعتبار معنوی را پدید آورد. برای مثال، اگر یک رهبر، ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، اداره کردن آن جامعه هزینه کمتری خواهد داشت. این اعتبار معنوی باعث خواهد شد انسان‌ها با اراده و علاقه خودشان کاری انجام دهند که اعمال‌کنندگان قدرت نرم آن را می‌خواهند.

در واکاوی مفهوم سرمایه اجتماعی از منظر و نگاه دینی، گنجینه‌های ارزشمندی، حاکی از توجه مبانی دین به روابط اجتماعی انسان‌ها و تبیین رفتار مطلوب قابل مشاهده و دسترسی است، اما آنچه مهم می‌نماید، کشف و استخراج این منابع و معادن

ارزشمند است و دارا بودن گنج، تا زمان عرضه آن، به خودی خود واجد ارزش نیست (میرسندسی، ۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی معطوف دو شاخص مهم است:

- (۱) سرمایه اجتماعی در لایه ارتباطی مردم - مردم (اعتماد مردم به یکدیگر)؛
- (۲) سرمایه اجتماعی در لایه ارتباطی مردم - حاکمیت (اعتماد مردم به دولت) (مصطفوی، ۱۳۸۷).

در ادبیات دینی و ملی، شاهد وجود گنجینه‌های مهمی حاکی از ارزشمندی کمک به هم‌نوع و توجه به لایه ارتباطی مردم - مردم و مردم - حاکمیت هستیم. ضرب‌المثل‌ها و اشعار موجود در ادبیات غنی ملی مانند «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز» و «بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند...»؛ نمونه‌هایی از این توجه است^۱، بنابراین پرداختن به موضوع از این منظر ما را در تبیین صحیح مفاهیم و روابط اجتماعی بسیار توانا و مستغنی می‌سازد. خداوند متعال در آیه ۱۷۷ سوره بقره خطاب به مؤمنان این گونه می‌فرماید: «نیکی تنها به این نیست که به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق یا مغرب کنید (یعنی تمام وقت خود را صرف تغییر قبله کنید)، بلکه نیکی و نیکوکار کسی است که از مال خود به نزدیکان، درماندگان، در راه‌ماندگان ببخشد... و هنگامی که عهده کرد به آن وفا کند...» در احادیث و روایات، از جمله بیانات امام علی (ع) نیز شاهد فرازهایی ارزشمند در لزوم توجه به مفهوم «سرمایه اجتماعی» در معنای مصطلح علمی آن (از جمله لزوم ایجاد اعتماد از سوی حاکمیت در مردم) هستیم. آن حضرت در نامه حکومتی خود به مالک اشتر، جنبه‌های باارزشی از توجه به رابطه مردم - حاکمیت در تولید سرمایه اجتماعی را مورد اشاره قرار می‌دهد: «قلبت را از محبت به مردم سرشار ساز... از

۱. اگر چه این موضوع نیز مانند بسیار از موضوعات فرهنگی جامعه دچار آفت‌هایی می‌باشد، از جمله وجود ادبیات، ضرب‌المثل‌ها و اشعاری در ترغیب انزواگرایی و عدم اعتماد به دیگران: «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من»، «عیسی به دین خود، موسی به دین خود»، «حتی به چشمان خودت هم اعتماد نکن» و...

لغزش‌های آنان در گذر... بدان که هیچ چیز به اندازه نیکی والی به رعیت، و کاستن از بار رنج آنان و اجبار نکردنشان به کاری که بر عهده آنان نیست، سبب حُسن‌ظن والی به رعیت نمی‌شود... باید چنان رفتار کنی که خوش‌گمانی رعیت را برایت فراهم آورد؛ زیرا این خوش‌گمانی، سختی‌های بسیاری را از تو برمی‌دارد... از مالیات آنان بکاه، آن اندازه که امیدداری وضع آنان را بهبود بخشد و این کار بر تو سنگین نیاید؛ زیرا این «اندوخته‌ای» است که آن را با آباد کردن شهرهایت و آراستن حکومتت به تو باز می‌گردانند، چه بسا از این پس مشکلاتی پیش آید که اگر رفع آن را بر عهده آنان گذاری، با خوشدلی بپذیرند؛ زیرا بر مملکت آباد، آنچه را بار کنی از عهده‌اش برآیند...^۱

با مرور این فرازها، بیش از پیش به توجه آموزه‌ها و تعالیم دینی خود در آنچه امروزه با عناوینی مانند «سرمایه اجتماعی» و «قدرت نرم» در ادبیات علمی غرب وارد و به تازگی مورد اقبال واقع گردیده است، پی می‌بریم. بندهند این فراز، تجلی ناب‌ترین جنبه‌های معرفتی و راه‌های کسب سرمایه اجتماعی و به‌دنبال آن، قدرت نرم است. انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از «اعتماد ملی» به عنوان «سرمایه اجتماعی» توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع همه اقشار، گروه‌های ملی و مذهبی کشور همت گمارد و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی، فرهنگ عدالتخواهی را در جامعه گسترش بخشد. وفاق اجتماعی، به عنوان مظهر قدرت نرم توانست به ایفای کارکردهایی مانند همفکری، هم‌احساسی، هم‌کنشی و شکل‌گیری «ذهن اجتماعی» پردازد که به همکاری و تعامل میان گروه‌های مختلف اجتماعی می‌انجامد و نظم درونی در بی‌نیازی از نظم بیرونی و سیاسی را آشکار می‌سازد.

همبستگی ملی و مشارکت عمومی، به عنوان مظاهر قدرت نرم انقلاب اسلامی توانسته است تقبل آگاهانه و شرکت مؤثر همه آحاد جامعه برای رسیدن به هدف‌های

۱. نامه حضرت امیر به مالک اشتر

خاص و پیاده کردن نظام اعتقادات، باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها را تجلی بخشید و معاضدت و همکاری آگاهانه، داوطلبانه و از روی میل و رغبت را با استفاده از همه امکانات بالقوه جمعی، توأم با حساسیت و مسئولیت‌پذیری و قانون‌گرایی از فرایند انقلاب گسترش دهد.

کاربست سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم برای یک کشور محدود به این موارد نیست و جنبه‌ها و عرصه‌های گوناگونی را شامل می‌گردد. جوامع برخوردار از روابط اجتماعی منسجم خانوادگی که به‌طور کارآمدی ایفاگر نقش‌های اجتماعی و مورد انتظار هستند، در مقایسه با جامعه‌ای متزلزل و شکننده به دلیل پاشیدگی کانون‌های خانوادگی از ظرفیت بیشتری در تولید سرمایه اجتماعی برخوردارند. به همین دلیل است که تقویت نهاد خانواده و کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی، یکی از معیارهای سنجش سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد. به بیان فوکویاما، زوال خانواده هسته‌ای تأثیر عمیقی بر دگرگونی هنجارها، از جمله جرم و جنایت، زشتکاری با کودکان، فقر، موفقیت تحصیلی و در نهایت، مشارکت مدنی بر جای می‌گذارد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۲۱). نیازی به توضیح بیشتر نیست که دلایل این زوال، بسیار پیچیده است و از تأثیر متقابل دگرگونی‌های اقتصادی و فنی، هنجارها و ارزش‌های معینی سرچشمه می‌گیرد. در واقع، نوع دوستی در سطح خانوادگی با درجه و جوه ژنتیکی، همخوانی دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که پدر و مادر به فرزندان و خواهر و برادر خود فداکاری و ایثار بلاعوض بروز دهند و یا به دایی‌ها و دایی‌زاده‌ها، عمه‌ها و عمه‌زاده‌ها، خاله‌ها و خاله‌زاده‌ها، عموها و عموزاده‌ها، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌های خود - که با آنها در نیمی از ژن‌ها مشترک هستند - ایثار و فداکاری کمتری بروز دهند، اما با این حال فداکاری آنها به این افراد بیشتر از فداکاریشان نسبت به اقوام دورتر و در نهایت، غریبه‌هاست. از این‌روست که نقش تکاملی خانواده در تولید سرمایه اجتماعی و به‌طور

مشخص در بازتولید قدرت نرم برای یک کشور، اهمیت می‌یابد، همچنان که فروپاشی خانواده نیز اغلب، ارتباط نزدیکی با جنایت و گسست اجتماعی دارد. از طرفی، ابعاد دیگر فواید سرمایه اجتماعی، از جمله در بُعد اقتصادی نیز بیش از پیش مورد توجه اندیشمندان این حوزه واقع گردیده است، به گونه‌ای که اقتصاد جدید سرمایه‌داری، توجه ویژه‌ای را به سرمایه اجتماعی معطوف داشته است. برای مثال، کارگاه‌های خانوادگی در کشورهایی مانند چین، هنگ کنگ، تایوان و حتی کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی این کشورها عمل کرده است.

۵. پیشینه مطالعه سرمایه اجتماعی در ایران

توجه ویژه به علوم انسانی در ایران سه دهه قدمت دارد و می‌توان نقطه آغازین این توجه و انجام مطالعات جدی را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در نظر گرفت (میرسندهی، ۱۳۸۹). پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن، هشت سال جنگ تحمیلی، عرصه‌ها و بسترهای نوینی از نقش‌آفرینی نیرو و اراده انسان‌ها در برهم ریختن نظام‌های حاکم و پی‌افکندن نظام‌های متفاوت را متجلی ساخت و در پی آن، شاهد رشد چشمگیر توان علمی کشور در حوزه علوم انسانی هستیم. توجه به مفاهیم کلیدی و پُر دامنه‌ای مانند «سرمایه اجتماعی»، به دلیل نزدیکی ذهنی با مردم جامعه و نقش اساسی مفاهیمی مانند اعتماد، همدلی، کار خیر، نوع‌دوستی و سایر مفاهیم کلیدی موجود در حیطه مباحث این حوزه با کارکرد آن در انقلاب و جنگ، زمینه‌های توجه و پیشرفت علمی را بیش از پیش آماده ساخت.

شاید بتوان نقطه فراز و اوج پژوهش‌های علمی و رویکردی دانشگاهی به سرمایه اجتماعی در ایران را در دهه سوم انقلاب (سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵) موسوم به دهه اصلاحات و طرح جامعه مدنی از سوی رئیس‌جمهور وقت، آقای خاتمی دانست. در این دهه، شاهد اوج توجه محافل علمی و سیاسی کشور در تبیین مبانی نظری و

نظریه‌های رایج در علوم انسانی غرب هستیم و اندیشمندان کشور با ولع چشمگیر، تلاش در بومی ساختن این مفاهیم و جبران مافات دارند، از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های قابل توجهی در حوزه علوم انسانی، از جمله در زمینه سرمایه اجتماعی در ایران انجام شد و کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی در این باره منتشر گردید. تحقیقات مطرح و جدی در این خصوص از سوی فرامرز رفیع‌پور، منوچهر محسنی، شارع‌پور، غفاری و شریعتی انتشار یافت و سازمان‌های مرتبط، از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این زمینه تحقیقاتی انجام داده و نتایج به دست آمده در اختیار عموم قرار گرفت.

انتشار نتایج مطالعات انجام شده موجب جلب توجه افکار عمومی و سیاستمداران به ناهنجاری‌های موجود نظام اجتماعی و سیاسی کشور گردید. رفیع‌پور با مطالعه چهار مقطع زمانی (سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۶۵، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳)، نتیجه‌گیری نمود که سرمایه اجتماعی در ده سال اول انقلاب (۱۳۵۶ تا ۱۳۶۵) افزایش داشته و در مقاطع بعدی کاهش یافته است. این نتیجه، با نتایج حاصل از مطالعه میدانی وسیع وزارت ارشاد در همه استان‌های کشور همخوانی داشت. مطالعات وزارت ارشاد در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ نیز بیان می‌داشت: ۵۲٪ از پاسخگویان در سال ۱۳۷۹ رواج صداقت و راستگویی در جامعه را کم می‌دانستند و این درصد در سال ۱۳۸۲ به ۶۰٪ رسیده بود.

نتایج حاصل از تحقیقات سه جنبه داشت:

- (۱) صداقت و راستگویی در جامعه ما کم است.
- (۲) جوان‌ترها میزان راست‌گویی در جامعه را کمتر دانسته‌اند.
- (۳) در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۷۹، تلقی عمومی از رواج این خصیصه در جامعه ما وضعیت بدتری پیدا کرده است (مصطفوی، ۱۳۸۷).

نتایج مطالعات غفاری و شریعتی در سال ۱۳۸۶ نیز بیانگر آن بود که ۵۴٪ جامعه نمونه گفته‌اند: نیاز به درآمد، آنان را به هر اقدامی وخواهد داشت (غفاری، ۱۳۸۶). توجه

به این نتیجه اعلام شده از آن جهت اهمیت فراوان دارد که یکی از مشخصه‌های سرمایه اجتماعی، جامعه اخلاقی است و انقلاب اسلامی بر پایه این اصول بنا نهاده شده است.

در این برهه، تلاش‌های چشمگیری در محافل علمی و سیاسی برای تبیین و تشریح اهمیت سرمایه اجتماعی و بیان دغدغه‌ها با ارائه آمارها و نمودارها انجام شد. اقبال اندیشمندان این حوزه در بهره‌گیری از روش‌های اثبات‌گرایی نیز در نوع خود حائز اهمیت بود. به اعتقاد این صاحب‌نظران «اگر نتوانید اندازه‌گیری کنید، نمی‌توانید مدیریت کنید و آنچه قابل اندازه‌گیری است، قابل انجام می‌باشد» (صالحی‌امیری، ۱۳۸۷: ۷۹). حال آنکه، الگو و سنجه‌های تعیین میزان سرمایه اجتماعی و طرح موضوع در این قالب، دچار ابهام اساسی بود. در بررسی منابع و ادبیات موجود در خصوص سرمایه اجتماعی در ایران، می‌توان سه رویکرد عمده در نوع مواجهه را به این شرح دسته‌بندی نمود:

(۱) **رویکرد شکاکیت:** طرفداران این رویکرد معتقدند سنجش معیارهای اجتماعی

در ایران تحت عنوان «سرمایه اجتماعی» فاقد موضوعیت است و خاستگاه سرمایه اجتماعی در غرب، و مبتنی بر فرایندهای طی شده در یک بازه زمانی و فرایند تاریخی - اجتماعی و ارزش‌های همان جوامع است، پس ما باید تنها بر اساس مبانی دینی خود عمل نماییم. (طیف روشنفکران اصول‌گرای سنتی)

(۲) **رویکرد افراطی:** طرفداران این رویکرد اعتقاد دارند که هیچ تفاوت اساسی

میان الگوها و سنجه‌های ارزیابی سرمایه اجتماعی در جوامع وجود نداشته و همه جوامع، ناگزیر از طی این فرایندها می‌باشند، پس باید همان بسترها (احزاب مستقل، سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل، نهادهای واسط و...) در ایران شکل گیرد. (طیف روشنفکران غرب‌گرا)

(۳) **رویکرد بینابینی:** این رویکرد ضمن پذیرش واقعیتی علمی با عنوان «سرمایه

اجتماعی» در ایران، معتقد است که بر اساس ارزش‌ها و نوع فرهنگ حاکم بر

جامعه، می‌توان نسبت به تعریف و ارائه الگوهای سنجش سرمایه اجتماعی و عملیاتی ساختن فرایندها اقدام کرد. رویکرد این طیف، ایجاد جامعه اخلاقی است. اینان معتقدند که با ایجاد جامعه اخلاقی می‌توان به بازتولید سرمایه اجتماعی موفق گردید.

در یک بررسی کلی از متون سرمایه اجتماعی موجود در کشور، می‌توان شاخص‌های عمده سنجش میزان سرمایه اجتماعی را حول محورهای اعتماد، روابط، صداقت، امید به زندگی و مشارکت اجتماعی، در نظر گرفت. باوجود این تنوع رویکردها، دغدغه همه آنها چگونگی افزایش این شاخص‌ها در جامعه ایران است، اما نکته اساسی، ارائه راهکارها بر مبنای نوع ارزش‌های مفروض صاحب‌نظران هر یک از طیف‌های اندیشه‌ورز می‌باشد. تحقیقات انجام شده در ایران در پی توضیح میزان سرمایه اجتماعی و منابع و موانع این سرمایه است.

۶. فرهنگ و سرمایه اجتماعی

در کنکاش لایه‌های معرفتی سرمایه اجتماعی، فرهنگ از نقشی بی‌بدیل برخوردار بوده و به عبارتی، سرمایه اجتماعی موضوعی «فرهنگ‌مدار» است؛ چرا که فرهنگ مانند یک روح در بخش‌های مختلف نظام اجتماعی جاری و تفکیک نهادها از یکدیگر و نظام‌های مربوط به آنها یک تفکیک انتزاعی و ذهنی می‌باشد، به عبارتی، این چنین نیست که برای مثال اقتصاد مختص و منحصر به یک حوزه خاص بوده و در ابعاد و نهادهای دیگر تأثیرگذار نباشد. اقدام‌های فرهنگی باید ابتدا مهندسی و آنگاه هدایت اجتماعی شود تا به فرهنگ تبدیل گردد و اگر فردی به‌تنهایی به درکی نایل شد که این درک، اجتماعی نشده باشد، آن چیز در واقع، فرهنگ نیست. این فرهنگ که شامل معرفت، قوانین، حقوق و تعاملات اجتماعی مثبت در جامعه می‌گردد، در سه سطح قابل بررسی است:

- (۱) **بیش اجتماعی.** منظور، آگاهی‌ها و شناخت‌هایی است که افراد نسبت به اصول، قوانین و حقوق اجتماعی موجود و مطلوب خود دارند. به عبارتی، افراد جامعه به چه میزان به جنبه‌های درونی و بیرونی قواعد حاکم بر روابط اجتماعی آگاه هستند و شناخت آنها از مفاهیم و امور پیونددهنده آنها با یکدیگر، چه میزان است. سطح بیش اجتماعی، حاکی از باور و اعتقاد به برخی فضایل اجتماعی (مانند همدلی، وفاق، اعتماد و مشارکت اجتماعی) و فضایل اخلاقی (باورهای دینی و هویت ایرانی) است. از این رو، سطح بیش مدنی، در حوزه ذهن و شناخت معنا می‌یابد و سطوح دیگر را راهبری می‌کند.
- (۲) **منش اجتماعی.** منظور از منش اجتماعی، میزان نهادینه‌شدن فرهنگ گرایش، تعهد و آمادگی برای عمل، طبق قواعد و ارزش‌هایی است که تعیین‌کننده مفهوم فرهنگ اجتماعی هستند. این تعهد به این معناست که افراد جامعه، عمل به عناصر و مؤلفه‌هایی که تعامل و زندگی اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند، امری ارزشمند تلقی کرده و از روحیه‌ای بالا در عمل به آن برخوردارند.
- (۳) **کنش و رفتار اجتماعی.** در سطح کنش، تحقق عینی و عملی پایبندی به الزامات حقوقی و قواعد و مناسبات اجتماعی دیده می‌شود. در این سطح می‌توان بر حسب رفتار واقعی افراد و آنچه در عمل انجام می‌دهند، به نوعی شناخت نسبت به میزان رعایت قواعد هنجاری و انسجام‌بخشی اجتماعی از سوی افراد جامعه دست یافت. سطح و گونه اعمال و کنش‌های افراد در این راستا، نشانگر نهادینگی فرهنگ تعامل اجتماعی مثبت و وجود نوعی سرمایه اجتماعی در جامعه است (نگاهداری، ۱۳۸۷).
- آنچه مسلم است، میان این سطوح، پیوستگی و ارتباط منسجم و منطقی وجود دارد. برای مثال، اگر از سطح عینی - که همان کنش اجتماعی است - شروع کنیم، می‌توانیم

دریابیم که این کنش، هم با منش اجتماعی (یعنی تعهد، وفاداری و عمل به اصول فرهنگ اجتماع) و هم با بینش اجتماعی (اعتقاد، آگاهی و شناخت اصول و مناسبات اجتماعی) دارای ارتباط است. حال اگر این اصول و قواعد، تنها در سطح بینش و منش باقی بماند و در سطح جامعه عینیت نیابد، علت را باید در شرایط حاکم بر جامعه جست‌وجو کرد. برای مثال، بسیاری از افراد جامعه به موضوعاتی مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن آگاهی و شناخت دارند، اما هنگام عمل و رفتار اجتماعی، مسئولیت‌پذیر و همدل نیستند.

۷. راهکارهای عملی افزایش سرمایه اجتماعی

در ادامه، با تمرکز بر اجزای شکل‌دهنده فرهنگ جامعه، راه‌های افزایش سرمایه اجتماعی بر پایه اصول اخلاقی و برخورداری از جامعه‌ای با نشاط و دور از انزوای طلبی به این شرح پیشنهاد می‌گردد:

۷-۱. **ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ اخلاقی جامعه** با تأکید بر: رواج راستگویی، صداقت، عذرخواهی کردن، تقدیر کردن از اقدامات شایسته دیگران، بیان توانایی‌های خود به جای تخریب دیگران، افزایش تحمل و مدارای اجتماعی، خوش‌زبانی و ملاحظت در رفتارهای اجتماعی، رعایت آراستگی و نظافت فردی در جامعه و...؛

۷-۲. **ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ همیاری شهری** با تأکید بر: سطح مشارکت در برگزاری انتخابات و نظرسنجی‌های مهم اجتماعی، مانند انتخابات شوراهای محلی و شهرداری‌ها، همکاری در زیباسازی شهر و اماکن و معابر عمومی، مشارکت در نظافت عمومی شهر، انضباط اجتماعی در استفاده از امکانات عمومی، برخورد با پدیده تخریب‌گری امکانات، ترویج فرهنگ آپارتمان‌نشینی، افزایش فرهنگ معاشرت و روابط همسایگی، عضویت در سازمان‌های غیردولتی خیریه و...؛

۷-۳. ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ فعالیت‌های امدادی با تأکید بر: افزایش سطح نودوستی و کمک به نیازمندان، عضویت در سازمان‌های رسمی و داوطلبانه متولی امداد و نجات، کمک نقدی، جنسی و روانی به آسیب‌دیدگان، اهدای خون و...؛

۷-۴. ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ قانون‌پذیری جامعه با تأکید بر: افزایش سطح آگاهی به قوانین اجتماعی، رعایت ضوابط اداری و عام‌گرایی (قانون‌پذیری) در برابر خاص‌گرایی (قومیت‌گرایی و پارتی‌بازی)، پیگیری احقاق حقوق و شکایات شخصی از مجاری قانونی، افزایش سطح نگاه مثبت به قانون و احترام به قانون، افزایش فرهنگ تقبیح فساد اداری و...؛

۷-۵. ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ وفاق و همبستگی اجتماعی و ملی در جامعه با تأکید بر: احترام به نمادهای ملی؛ چون خط، زبان، حس میهن‌دوستی، سطح مسئولیت‌پذیری و...؛

۷-۶. ارزیابی و ارتقای سطح بهداشت و سلامت جامعه با تأکید بر: فرهنگ تنظیم زاد و ولد، فرهنگ تغذیه و نیاز غذایی، انجام معاینات دوره‌ای پزشکی، همکاری داوطلبانه در طرح‌های بهداشتی عمومی، مشارکت در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و...؛

۷-۷. ارزیابی و ارتقای فرهنگ فراغت و ورزش در جامعه با تأکید بر: اعتماد به ورزش به مثابه یک ضرورت، تقویت روحیه جوانمردی، آزادمنشی، وارستگی و تعالی انسانی در ورزش، توسعه ورزش‌های همگانی و جمعی در جامعه، تنظیم فرهنگ تماشای مسابقات ورزشی، توسعه سازمان‌های غیردولتی در امر ورزش، برگزاری مسابقات محلی و...؛

۷-۸. ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ و آداب اجتماعی در جامعه با تأکید بر: احترام به نظر و مصالح جمعی، رعایت حقوق شرعی و عرفی اعضای جامعه و خانواده،

احترام به فرهنگ رعایت حریم شخصی و خصوصی دیگران، فرهنگ میهمان‌داری و میهمان‌نوازی، آموزش آداب و معاشرت، دوستی و مسئولیت‌پذیری به کودکان، افزایش تحمل و مدارای اجتماعی، احترام به معلولان در جامعه و رعایت حقوق آنان، روحیه‌قدردانی از هموعان، احترام به فرهنگ‌های بومی و...؛

۷-۹. ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ نظم‌پذیری و برنامه‌ریزی شخصی - اجتماعی با تأکید بر: برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها، تعیین هدف‌های مشخص در زندگی، وقت‌شناسی و احترام به وقت دیگران، بازنگری مستمر بر کارهای روزمره خود، وفای به عهد و قراردادهای اجتماعی، احترام به نظم اجتماعی و آینده‌نگری در کارها؛

۷-۱۰. ارزیابی و ارتقای سطح فرهنگ مشارکت در احداث بناها و مراکز فرهنگی - اجتماعی با تأکید بر: همکاری مادی و معنوی در ساخت مراکز فرهنگی، مراکز اشتغالزای، مراکز بهداشتی و آموزشی و کتابخانه، توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی و اهدای کتاب به یکدیگر، مشارکت در برگزاری مراسم ملی و دینی و آشنایی با فرهنگ‌های مختلف داخل و خارج کشور.

نتیجه‌گیری

مفهوم سرمایه اجتماعی که در آغاز، توسط جامعه‌شناسان معرفی گردید، به سرعت توجه اندیشمندان سایر علوم اجتماعی را نیز به خود جلب کرد. سرمایه، در معنای عام خود، دلالت بر مجموعه دارایی‌ها، امکانات و منابع در اختیار دارد و به عنوان ذخیره‌ای از دارایی‌ها که می‌توان انباشت و برای ایجاد ثروت آتی به کار گرفت، تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی، بر خلاف سرمایه شخصی بر همدلی‌ها و همگرایی‌های اجتماعی متکی است و بر مدار ارزش‌های آن جامعه تجلی می‌کند، از این‌رو دارایی شخصی نیست، بلکه سرمایه‌ای است که در شبکه‌ای از تعاملات و ارتباطات اجتماعی حاصل

می‌گردد. سرمایه اجتماعی، مانند سرمایه انسانی و فیزیکی می‌تواند جانشین و مکمل دیگر انواع سرمایه باشد. برای مثال، افزایش میزان تماس و ارتباط‌های مؤثر اجتماعی یک فرد می‌تواند او را باوجود برخورداری از سرمایه انسانی و مالی محدود، موفق سازد.

قدرت نرم نیز - که در دو دهه اخیر وارد ادبیات سیاسی جهان گردید - بر وجه دیگر قدرت (در برابر قدرت سخت) در نظام بین‌الملل تأکید می‌ورزد، قدرتی که نه بر پایه زور، خشونت و ارعاب، که بر اساس اقناع و جذابیت، راه خود را در نفوذ در جوامع پیش می‌گیرد. قدرت نرم، از راه تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان کشور را تقویت کرده و در مسیر وضعیت مطلوب خویش قرار می‌دهد. این گونه تغییرات اغلب از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، به‌ویژه حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود.

پیروزی انقلاب اسلامی و به‌دنبال آن، هشت سال نبرد سهمگین، جلوه‌های باشکوهی از قدرت نرم را بر پایه سرمایه اجتماعی و رهبری فرهمندان حضرت امام (ره) به رخ جهانیان کشاند و شاید ادعای بیهوده‌ای نباشد که این رخداد شگرف را می‌توان عامل مؤثر بر هم خوردن معادلات و مفروضات ذهنی اندیشمندان مادی‌اندیش دانست که توانست آنان را متوجه وجود ابعاد مغفول نظام قدرت نماید.

در امتداد و استمرار کامیابی نظام ج.ا.ایران، توجه به تقویت ریشه‌های شکل‌بخشی به سرمایه اجتماعی و قدرت نرم و زدودن آفات موجود در راه رشد این سرمایه، امری ضروری و حیاتی است و ابدی پنداشتن این سرمایه بدون رعایت الزام‌های تقویت و توسعه آن، یک دلخوشی و ساده‌انگاری بیش نیست. یافته‌های اخیر مطالعات اجتماعی در مورد سرمایه اجتماعی در کشور، بیانگر کاهش این سطح است و میزان این کاهش، هرچند اندک، مستلزم توجه جدی کارگزاران نظام است. این ضرورت، در ابعاد

گونگون قابل توجه است، از جمله: نقش بی‌بدیل سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ و ارتقای آن، تنوع قومیتی قابل توجه در ایران، لزوم تحقق هدف‌های مصرح در سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ و برنامه چهارم توسعه کشور، که دولت را مکلف ساخته تا برای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی برنامه‌ریزی کرده و گزارش سالانه آن را در معرض آگاهی عموم قرار دهد. (که با وجود این تأکید، هیچ‌گونه گزارشی از میزان سرمایه اجتماعی از سال ۱۳۸۲ از سوی مراکز مرتبط صادر نشده است).

پژوهش حاضر با واکاوی ابعاد مفهومی سرمایه اجتماعی و قدرت نرم، تلاش نمود با ایجاد ارتباط منطقی میان این دو مفهوم، افق جدیدی فراروی دانش پژوهان این عرصه ترسیم کرده و با بیان وضعیت سرمایه اجتماعی بر پایه مطالعات و پژوهش‌های اخیر انجام شده در ایران، راه‌های ارتقا و افزایش آن را مورد توجه قرار دهد. برای جامعه و نظام مدعی ایفای نقش «ام‌القرای جهان اسلام»، ارائه الگویی عملی در برپایی نظام اجتماعی مبتنی بر اصول و ارزش‌های معرفی شده و تولید و بازتولید مستمر قدرت نرم، امری بسیار حائز اهمیت است.

منابع و مأخذ

۱. منابع فارسی

۱. باولز، ساموئل (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی و حاکمیت در اجتماع*، ترجمه خاکباز و پویان، چاپ دوم، تهران، نشر شیرازه.
۲. رنجبران، داود (۱۳۸۸)، *جنگ نرم*، تهران، انتشارات اندیشه تهران.
۳. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳)، ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۴. شجاعی باغبینی، محمد مهدی (۱۳۸۷)، *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. صالحی امیری، سیدرضا، کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷)، *سرمایه اجتماعی*، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۶. علوی، سیدبابک (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی، *ماهنامه تدبیر*، سال دوازدهم، شماره ۱۱۶.
۷. غفاری، مسعود و شهروز شریعتی (۱۳۸۶)، جهانی شدن، ساختار دولت و عدالت اقتصادی در ایران، *مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد ایران*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۸. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، *پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
۹. فیلد، جان (۱۳۸۸)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غفاری و رضانی، تهران، انتشارات کویر.
۱۰. کگل، استوارت (۱۳۷۹)، *چارچوب‌های قدرت*، ترجمه مصطفی یونسی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. مصطفوی، سید محمدحسن (۱۳۸۷)، عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن، تهران، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، شماره ۲۳ و ۲۴.
۱۲. میرسندهی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، *آسیب‌شناسی فرهنگی*، متون درسی دکتری مهندسی فرهنگی دانشگاه امام حسین (ع).
۱۳. نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. نگاهداری، بابک (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگی نظام اجتماعی، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، شماره ۱۷ و ۱۸.

۲. منابع انگلیسی

1. Putnam, R. D (1993), *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, Princeton University Press.
2. Coleman, J. S (1988), Social Capital in the Creation of Human Capital, *American Journal of Sociology*, Vol 94.